ای منجذب بنفحات الهيّه مکتوب مفصّل که بمسس گتسينگر…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ١٣٤

ای منجذب بنفحات الهيّه مکتوب مفصّل که بمسس گتسينگر لوا مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد فی الحقيقه در مسئله مدخل أمراض تدقيقی نموده بوديد وفی الواقع عصيانرا مدخلی عظيم در امراض جسمانيّه محقّق است اگر چنانچه بشر از اوساخ عصيان و طغيان بری بود و بر ميزان طبيعی خلقی بدون اتّباع شهوات سلوک و حرکت مينمود البتّه امراض باين شدّت تنوّع نمی‌يافت و استيلا نمينمود.

زيرا بشر منهمک در شهوات شد و اکتفا باطعمه بسيطه نکرد طعامهای مرکّب و متنوّع و متباين ترتيب داد و منهمک در آن و در رذائل و خطايا شد و از اعتدال طبيعی منحرف گشت لهذا امراض شديده متنوّعه گوناگون حادث گرديد.

زيرا حيوان من حيث الجسم ترکيب انسان است ولی چون باطعمه بسيطه قناعت نمايد و چندان در اجرای شهوات مصرّانه نکوشد و ارتکاب معاصی ننمايد امراضش بالنّسبه بانسان قليل است پس معلوم شد که عصيان و طغيان انسان را مدخلی عظيم در امراض است و اين امراض بعد از حدوث ترکيب شود و توالد و تناسل نمايد و سرايت در ديگران کند اين اسباب معنوی علل و امراض است.

و امّا اسباب جسمانی صوری امراض اختلال ميزان اعتدال در اجزای مرکّبه جسم انسانيست مثلاً جسم انسان از اجزای متعدّده مرکّب است ولی هر جزئی از اين اجزا را مقداری معيّن که ميزان اعتدال است و چون اين اجزاء بر حسب ميزان معتدل طبيعی در مقدار باقی و بر قرار ماند يعنی هيچ جزئی از مقدار و ميزان طبيعی تجاوز نکند و تزايد و نقصان نيابد مدخل جسمانی از برای امراض حاصل نگردد.

مثلاً جزء نشويرا ميزانی و جزء شکری را ميزانی اگر بر ميزان طبيعی باقی ماند مدخلی از برای امراض حاصل نشود ولی چون اين اجزاء از ميزان طبيعی تجاوز کند يعنی تزايد و تناقص يابد البتّه از برای امراض مدخلی حاصل گردد.

اين مسئله را بسيار تدقيق لازم است حضرت اعلی روحی له الفداء فرموده‌اند که اهل بها بايد فنّ طبّ را بدرجه ئی رسانند که باغذيه معالجه امراض نمايند و حکمتش اين است که در اجزای مرکّبه جسم انسانی از ميزان اعتدال اگر اختلالی حاصل گردد لابد اين مدخل امراض است مثلاً اگرجزء نشوی تزايد نمايد و يا جزء شکری تناقص جويد مرضی مستولی گردد حکيم حاذق بايد کشف نمايد که در وجود اين مريض چه جزئی تناقص نموده و چه جزئی تزايد حاصل کرده چون اين را کشف نمايد غذائی که جزء تناقص نموده در آن غذا بسيار است بمريض دهد و اعتدال حاصل کند و چون مزاج اعتدال يابد مرض مندفع شود.

و برهان اين مسئله آنکه حيوانات سائره فنّ طبّ نخوانده‌اند و اکتشاف امراض و علل و دوا و علاج ننموده‌اند هر حيوانی که بمرضی مبتلا گردد در اين صحرا طبيعت او را دلالت بر نوعی از گياه نمايد و چون آن گياه را تناول کند مرضش مندفع شود تشريح اين مسئله اين است که چون جزء شکری در جسم تناقص يابد بالطّبع مزاج ميّال بگياهی شود که در آن جزء شکری وفور دارد و بسوق طبيعی که نفس اشتهاست در اين صحرا در ميان هزار نوع گياه گياهی پيدا نمايد که جزء شکری در آن بسيار است و آن را تناول کند و اجزاء مرکّبه جسمش اعتدال حاصل نمايد و دفع مرض شود.

اين مسئله را بسيار تدقيق لازم است و چون اطبّای حاذقه در اين مسئله تعميقات و تعقيبات مکمّله مجری دارند واضح و مشهود شود که مدخل امراض از اختلال کميّات اجزاء مرکّبه جسم انسان است و معالجه‌اش بتعديل کميّت آن اجزاست و اين بواسطه اغذيه ممکن و متصوّراست.

و البتّه در اين دور بديع فنّ طبّ منجر بآن خواهد شد که باغذيه اطبّا معالجه نمايند زيرا که قوّه باصره و قوّه سامعه و قوّه ذائقه و قوّه شامّه و قوّه لامسه جميع اينها قوای مميّزه‌اند تا نافع را از مضرّ تميز دهند حال ممکن است که قوّه شامّه انسان که مميّز مشمومات است از رائحه استکراه نمايد و آن رائحه بجهت جسم انسان مفيد باشد اين مستحيل و محال است و همچنين قوّه باصره که مميّز مبصرات است آيا ممکن است که مشاهده مزابل مستکرهه جسم انسان استفاده نمايد استغفر اللّه من ذلک و همچنين قوّه ذائقه نيز قوّه مميّزه است قوّه ذائقه چون از چيزی کره دارد البتّه آن مفيد نيست اگر در بدايت فائده از او حاصل شود بالمآل مضرّتش محقّق است.

و همچنين مزاج چون در مقام اعتدال باشد آنچه از آن متلذّذ شود شبهه ئی نيست که آن مفيد است ملاحظه کنيد که حيوان در اين صحرا که صد هزار نوع گياه دارد ميچرد و بقوّه شامّه استنشاق روايح گياه ميکند و بذائقه ميچشد هر گياهی که شامّه از آن متلذّذ و ذائقه از آن متلذّذ آن را تناول کند مفيد است اگر اين قوّه مميّزه را نداشت جميع حيوانات در يک روز هلاک ميشدند زيرا نباتات مُسمّه بسيار و حيوانات از مخزن الادويه بيخبر لکن ملاحظه کنيد که چه ميزان محکمی دارند که بآن کشف نافع از مضرّ مينمايند و هر جزئی که از اجزاء مرکّبه جسمشان تناقص نمايد گياهی بجويند که در آن جزء متزايد است و تناول کنند و اجزاء مرکّبه اعتدال حاصل نمايد و مرض مندفع شود.

و چون اطبّای حاذقه معالجات را باغذيه رسانند و اطعمه بسيطه ترتيب دهند و نفوس بشر را از انهماک در شهوات منع کنند البتّه امراض مزمنه متنوّعه خفّت يابد و صحّت عموميّهء انسانيّه بسيار ترقّی کند و اين محقّق و مقرّر است که خواهد شد همچنين در اخلاق و احوال و اطوار تعديل کلّی حاصل خواهد شد \*